روزنامه صبح ایران
سیاسی- فرهنگی- اقتصادی- اجتماعی
صاحب امتیاز: مهدی کروبی
مدیر مسؤول: محمدجواد حق شناس
سردبیر: رضا انصاری
تلفن: ۸۸۲۳۱۷۷۳-۴ نمابر: ۸۸۲۳۳۰۹۰
نشانی: تهران - خ کریم خان زند- شماره ۱۲۸
صندوق پستی: ۶۹۶۹-۱۵۸۷۵

نسخه الکترونیکی روزنامه
www.etemademelli.ir
www.roozna.com
info@etemademelli.com
آگهی‌ها ۸۸۹۵۶۳۰۶-۲۴ نمابر: ۸۸۹۵۹۳۰۴
روابط عمومی: ۸۸۳۲۱۷۷۵
نمابر تحریریه: ۸۸۳۱۴۳۷۶
امور شهرستان‌ها: ۸۸۳۲۳۲۱۱

نشانی مراکز چاپ اعتماد ملی
چاپ گستر: کیلومتر ۱۸ جاده مخصوص کرج- خیابان ۶۷ (آزادی) - پلاک ۱۱۱
تلفن: ۴۴۹۸۱۲۱۹
باسلد: کیلومتر ۲ جاده مخصوص - خیابان ۲۳
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۴۸-۵۴
لیتوگرافی رسام گرافیک
تلفن: ۸۸۷۵۹۳۳۰-۸۸۷۵۳۳۲۳
توزیع: تلفن: ۸۸۵۰۳ -۵۰۹

روزنامه صبح ایران
اعتماد ملی
۱۳۸۷

وضعیت آب و هوای چند شهر ایران
تهران: آفتابی ۱۲ تا ۲۹ | شیراز: آفتابی ۱۶ تا ۳۲
مشهد: نیمه ابری ۱۰ تا ۲۸ | تبریز: بارانی ۱۵ تا ۲۴
اوقات شرعی
اذان ظهر: ۱۱/۵۵ اذان مغرب: ۱۸/۱۲
اذان صبح فردا: ۰۴/۳۳ طلوع آفتاب فردا: ۰۵/۵۷

دعای روز بیست وششم ماه مبارک رمضان
بسم الله الرّحمن الرّحیم
اللهمّ اجعل سعیی فیه مشکورا و ذنبی فیه مغفورا و عملی فیه مقبولا و عیبی فیه مستورا
یا اسمع السّامعین.
خدایا قرار بده کوشش مرا در این ماه قدردانی شده وگناه مرا در این ماه آمرزیده وکردارم را در آن مورد قبول و عیب مرا در آن پوشیده ای شنوا ترین شنوایان.

زمزمه

بیان شعار مرگ بر ۱+۵ در راهپیمایی

شنیدیم که شعار «مرگ بر ۱+۵» در مسیرهای مختلف راهپیمایی روز جهانی قدس به چشم می خورد. تعدادی از مردم نیز با اسیری های رنگی و در مسیر حرکت راهپیمایان روز قدس، شعار مرگ بر ۱+۵را روی زمین نوشته و مخالفت آنها با حقوق ملت ایران را محکوم کردند.

جلوگیری از نمایش پوستر موهن احمدی‌نژاد

شنیده شده که شهرداری تورنتو از نمایش پوستری موهن از رئیس جمهور کشورمان جلوگیری کرد. به گزارش فردا، شهرداری تورنتوی کانادا، مرکز سیمون ویزنتال این شهر را از نمایش پوستری موهن منع کرد. گفتنی است مرکز سیمون ویزنتال، یک مرکز محلی برای مطالعات مربوط به هولوکاست است که پوستر مذکور را طراحی کرده بود.

سانسور سخنرانی خاتمی در صدا و سیما

گفته می شود که رسانه ملی سخنان سیدمحمد خاتمی در مراسم شب قدر حرم امام خمینی(ره) را که به طور زنده از تلویزیون پخش می شد سانسور کرد که موجب اختلاف بین خبرنگاران برخی خبرگزاری ها شد! به گزارش عصر ایران، خبرگزاری ایسنا که خبرنگارش در مراسم شب قدر حضور داشت جمله ای به نقل از رئیس جمهور سابق منعکس کرد که باعث شد به دلیل موجود نبودن این جمله در سخنان منتشرشده از رسانه ملی، این خبرگزاری توسط رسانه های نزدیک به دولت متهم به تحریف سخنان خاتمی علیه دولت شود و حتی کار به تماس با مدیران برخی رسانه ها و انتقاد از آنها در تحریف سخنان خاتمی رسید. طبق خبر ایسنا خاتمی در این جلسه گفته بود که نباید به اسم عدالت سرمایه های کشور به باد داده شود اما این جمله را کسانی که از طریق گیرنده های تلویزیونی و البته به صورت زنده به سخنان خاتمی گوش فرا می دادند نشنیده بودند.

تظاهرات مخالفان در پایان سفر احمدی‌نژاد به نیویورک

این خبر هم شنیدنی است که غروب پنجشنبه همزمان با حضور احمدی نژاد در ضیافت افطاری با حضور ۲۰۰ تن از پیروان ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی در هتل هلتن، ده ها نفر در برابر هتل به نشانه اعتراض به وی تظاهرات کردند. معترضان در شعارهای خود و بلا کاردهایی که در دست داشتند خواستار توقف برنامه اتمی ایران شدند و احمدی نژاد را به یهودستیزی متهم کردند.

عکس های جنگ گرجستان در سفارت روسیه

آخرین خبرشنیده اینکه سفارت روسیه در تهران در روزهای اخیر در یک اقدام تامل برانگیز بخشی از ویترین و تابلوی اعلانات همگانی خود را به عکس های جنگ اخیر گرجستان اختصاص داد. به گزارش پارسینه، در این عکس ها با زیرنویس فارسی و روسی صحنه هایی مانند تدفین پیکر متلاشی شده یک سرباز اوستیایی و آوارگی و مظلومیت مردم اوستیا و آبخازیا دیده می شود.

ضربان تصویر

مانا نیستانی
mana_neyestani@yahoo.com

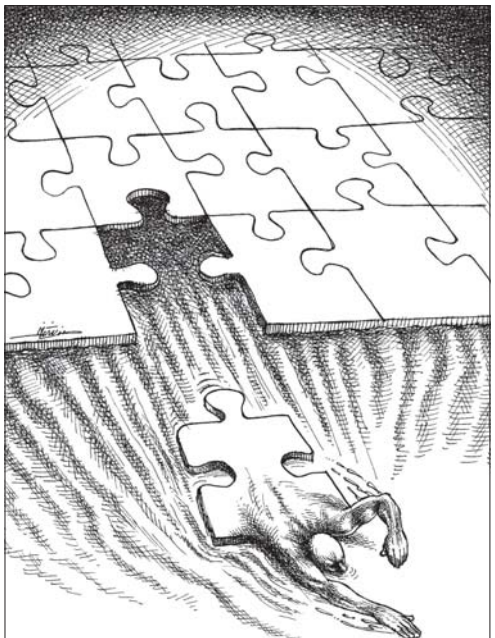

دموکراسی یعنی: احترام به هویت فردی

نیم‌نگاه

تو خودت آب‌نباتی یا شکلاتی، شکلاتی!؟

رئیس جمهور محترم کشورمان در یکی از سلسله گفت وگوهای خود با رسانه های فرنگی فرموده‌اند که مشکل جدی در اقتصاد نداریم. آقابزرگ اصولگرای ما هم معتقدند که ایشان کمی هم شکسته نفسی فرموده‌اند چرا که اساسا مشکلی وجود نداشته است. خان دایی مستقل ما هم اعتقاد دارند که به خصوص با برکناری رئیس منقبض بانک مرکزی دیگر نور علی نور خواهد شد و همین طور تسهیلات و وام و کمک هزینه است که به سفره مردم سرازیر می شود و انبساط به اقتصاد ما برخواهد گشت. تازه طرح پرداخت نقدی یارانه ها هم در راه است و کی می خواهد این همه پول را خرج کند؟ گفتیم: خدا خیرتان بدهد! اما توجه داشته باشید که تزریق نقدینگی بر قیمت ها تاثیر مستقیم خواهد داشت. آقابزرگ فرمودند: اگر خیانت شماها نباشد و با مافیاها دست به یکی نکنید و از آرای مردم انتقام نگیرید، اوضاع معیشت مردم هر روز بهبود خواهد یافت. طرح یک خطی سهمیه بندی بنزین که به فرموده رئیس جمهور محترم، مجلس هفتم جهت تعیین زمدن دولت بر آن اصرار داشت، با موفقیت عملیاتی شد. مطمئن باشید که پرداخت نقدی یارانه ها و برنامه های دولت جهت اداره دنیا هم به بهترین شکل ممکن اجرا خواهد شد. گفتیم: البته رئیس محترم مجلس معتقد هستند کارهایی که جنبه شکلات برای اقتصاد دارد، دوای درد نیست. حالا متوجه نشدیم که منظور ایشان از شکلات طرح تحول اقتصادی بوده یا برکناری رئیس منقبض بانک مرکزی را فرموده‌اند که ماهیتی شکلاتی دارد. خان دایی فرمودند: اساسا ادبیات جناب لاریجانی خیلی شیرین است. کلا ایشان در کار شیرینی گل محمدی و قطاب و پشمک هستند. مگر فراموشتان شده است مبحث هسته ای را؟! آن زمان هم که ایشان هنوز دبیر شورای امنیت ملی نشده بودند تا بعد کناره بگیرند و بعد به منصب ریاست مجلس تشریف فرما گردند، معتقد بودند که تیم سابق هسته ای در غلتان را با آب نبات معاوضه کرده‌اند. آقابزرگ فرمودند: ایشان یک ادبیات فاخری را در گفتار خود استفاده می فرمایند که فهم و درکش برای امثال شماها که همواره در پی این هستید که آسمان و ریسمان را به هم بیافید و از دهان این و آن علیه دولت حرف بکشید، خیلی دشوار است. آنهایی که در غلتان هسته ای را با شکلات معاوضه کردند خودشان خوب فهمیدند که منظور نظر جناب لاریجانی از شکلات چه بوده است. شما لازم نیست که برای ما شیرینی جات را تفسیر کنید. تحلیل کنید که چطور در عصر اصلاحات سفره های مردم گرفتار تورم ۲۲ درصدی (به ادعای جناب بذرپاش مشاور جوان رئیس جمهور و مدیرعامل محترم و فعلی شرکت سایپا) شده بود؟ گفتیم: اتفاقا جناب روحانی هم که روزگاری دستی در در غلتان داشته‌اند، پرسیده‌اند: «آیا ما واقعاً به عدالت رسیده‌ایم؟ اگر رسیده‌ایم که فبهاالمراد! این خیلی عالی است اما اگر نرسیده‌ایم که همه آمار و ارقام می گویند که نرسیده‌ایم، خوب است خود دولت بررسی کند و ببیند چرا و به چه دلیل به آن نرسیده است؟» خان دایی فرمودند: ولی در غلتان را ظاهرا با آب نبات معاوضه کرده بودند، نه با شکلات! گفتیم: کاماتان شیرین باشد. چه فرقی دارد؟

ثانیه

سقوط دموکراسی، صعود فساد

• حسین قاضیان

اخیرا گزارش سال ۲۰۰۸ سازمان شفافیت بین المللی درباره فساد در جهان منتشر شده است. بخشی از گزارش های سالانه فساد، به رتبه بندی کشورها از نظر میزان فساد مالی و اداری می پردازد. گزارش سال ۲۰۰۸ نشان می دهد که رتبه ایران در میان کشورهای جهان از ۸۸ در سال ۱۳۸۴ به ۱۴۱ در سال ۱۳۸۷ رسیده است. یعنی که ایران ۵۳ پله بیشتر در فساد سقوط کرده است. در فاصله این سال ها، شاخص فساد در ایران ۲۰ درصد بدتر شده، یعنی از ۲/۹ به ۲/۳ رسیده است. جنبه درس آموز گزارش های فساد این است که از زمان اندازه گیری شاخص فساد، کشورهای غیردموکراتیک پیوسته در انتهای فهرست فاسدترین کشورها قرار گرفته‌اند و کشورهای با دموکراسی بیشتر در رده های بالای سلامت مالی و اداری قرار داشته‌اند. به علاوه مردم اغلب کشورهای بالای این رتبه بندی از نظر شاخص های برابری اقتصادی در وضعیت بهتری قرار دارند، یعنی که از عدالت بیشتری بهره‌مندند. اما این آمار به چه معنی می گویند؟ اول، در فاصله همین سال هایی که وضعیت فساد مالی و اداری در ایران بدتر شده، صاحبان قدرت بیش از همیشه در مار مبارزه با فساد زده‌اند. چنانکه با مقایسه این شاخص ها روشن می شود، حتی اگر شعارهای مبارزه با فساد از سر صدق بیان شده باشد، در عمل موثر نبوده است. دلیلش هم بسیار روشن است. فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی تابع آرزوهای ما نیستند، بلکه تابع قانونمندی های خاص خود هستند. این قانونمندی ها از طریق کوشش های علمی به دست می آید اما اگر مدیران جامعه به کاربرد علوم اجتماعی، از جمله اقتصاد، باور نداشته باشند و اصول شناخته شده علمی معیار تصمیم گیری ها و ارزیابی هایشان نباشد، وضع همین می شود که ما هر روز با گوشت و پوست لمسشان می کنیم و در اینجا با زبان آمار بیان شده است. دوم، اگر مدیران جامعه واقعا به دنبال مبارزه با فساد هستند و نمی خواهند صرفا نمایشی از مبارزه بدهند تا به این ترتیب رقیبانشان را از میدان به در کنند، با دل مردم را به دست آورند، باید جدا به گسترش آزادی ها کمک کنند. چنانکه همین گزارش هم نشان می دهد، دموکراسی بیشتر، غالبا با کاهش فساد همراه است. سوم، مخالفان دموکراسی و قدرت گیری جامعه مدنی می کوشند تعبیر و تفسیری از دموکراسی و جامعه مدنی به دست دهند تا به خودشان یا به مردم از همه جا بی خبر بقولانند که دموکراسی از قاصی با مسائل آنان، به ویژه با مشکلات طبقات محروم ندارد که دموکراسی خواسته آدم هایی است که خوشی زیر دلشان زده و هوای آن سوی آب ها دارند؛ که آرمان مرفهان بی دردی است که شکمشان سیر است و از مردم گرسنه می خیزند. بسیاری هم البته این افسانه ها را پلیز قاند و باور کرده‌اند و ترویج می کنند. مشکل اینجاست که حتی برخی از هواداران دموکراسی هم باورشان شده که دموکراسی و جامعه مدنی خواسته های شیک و لوکسند، که انگار در آزادی بیان خلاصه می شوند؛ که آزادی بیان فقط به کار تولید حرف دل می آید؛ که انگار نقشی در کنترل قدرت و مبارزه با فساد و گسترش عدالت ندارد؛ که انگار با مشکلات توده مردم بی ارتباط است. اما این آمار به ما می گوید، دموکراسی با فساد کمتر و عدالت بیشتر توام است. آنگونه دعا خواهان برابری بیشترند. یعنی چیزی که از جمله از معبر مبارزه با فساد می گذرد، نمی یابد. به دموکراسی پشت کنند. مهم این است که مبارزان جامعه مدنی بتوانند دموکراسی را به خواسته های معمولی مردم عادی ترجمه کنند.

منبع: دال (سایت شخصی حسین قاضیان)

بی ویرایش

سیاست شناور!

• فیاض زاهد

تکرار لغت «رابطه» میان سیاستمداران ایران و آمریکا دست به دست نشده است، جالب آن است که هر دو سوی ماجرا به صرافت و البته بسیار آرام به این حقیقت دست یافتند که بدون انجام گفت وگوهای مستقیم و بی واسطه نمی توانند به تحقق اهداف خود نائل شوند. در آغاز هم طرف ایرانی و هم جبهه آمریکایی، ضرورتی برای این مهم قائل نبودند. اما تحولات منطقه و خاورمیانه هرچند آهسته اما به عنوان یک راهبرد قاطع برمقامات تصمیم گیر فائق نمود. کافی است ادبیات مقامات دو طرف را در قیاس با ۵ یا ۱۰ سال پیش تر مقایسه نماییم. در آن سال ها حتی اشاره به مذاکره و گفت وگو تابوی خطرناک و پرهزینه‌ای بود که سیاستمداران فراوانی را به مهلکه برد. اما اتفاق های اخیر جهانی پس از سال ۲۰۰۱ هرچند در دل خود عامل ایجاد و زایش بحران بود، اما به شکلی دیالکتیکی در درون خود راه های مذاکره و گفت وگو را هموار می نمود. ایرانیان و آمریکایی ها پیش از بحران افغانستان بارها در نیویورک، بن، ژنو و البته بسیاری جاهای دیگر با یکدیگر بی سروصدا گفت وگو کرده بودند. بارها و البته به تناوب به وسیله مقامات امنیتی و مشاوران ارشد رایس و پاول اعلام شد که با چه شخصیت ها و مقامات ایرانی ای گفت وگو و مذاکره صورت گرفته است. ایرانی ها هیچگاه چنین سطحی از مذاکره را کتمان نکردند. اما صورت آشکار این مناسبات در داستان امنیت عراق شکلی عیان یافت. ایرانی ها هرچند در خفا با ژنرالهای خلیل زاد اما به صورت رسمی با کراکر در عراق گفت وگو کردند. محمود احمدی نژاد پیش از تمام روسای جمهور ایرانی در ۳۰ سال اخیر دلشت. همان گونه که وی در میان روسای ایرانی رکورد سفر به ایالات متحده را در دست دارد. رویکرد احمدی نژاد در خصوص رابطه با آمریکا از فرمول مشخصی تبعیت می کند. او به خوبی می داند چنانچه بتواند قفل مناسبات ایران و آمریکا را بگشاید، کلید آن را برای ۴ سال آتی در جیب خواهد داشت، او به خوبی دریافته است که امکانات و پشتوانه روشن این مهم را در اختیار دارد اما با این تصور تعداد زیادی از اصولگرایان همراه نیستند. آنها به روشنی به این مهم تاکید می نمایند که کلید روابط ایران و آمریکا تنها در دست رهبری نظام اسلامی ایران است. چاپ مقاله ولایتی در ۳ روزنامه معتبر اروپایی پاسخ روشنی به ابهامی بود که به طور روشن آمریکایی ها نیز به دنبال فهم آن بودند. اما این تصور غالب نیست، زیرا دولت احمدی نژاد برخی از ویژگی های یک دولت عمل گرا را دارا است. بدیهی است تصمیم گیران عالی رتبه نیاز از طرق مجاری خاص نظرات خود را تعاطی می بخشند. دولت احمدی نژاد در عین آنکه در سیاست خارجی سیاست تهاجمی را اتخاذ کرده، اما عمل گرایی محافظه کارانه را نیز لحاظ کرده است. بدیهی است احمدی نژاد امروز با رئیس جمهور جوان و ناآشنا به سیاست داخلی و خارجی فردای پس از پیروزی، متفاوت است. او پخته تر و آگاه تر به موضوع قدرت در عرصه بین الملل می نگرد. لذا اگر در آغاز تمام توجه خود را به روش های رادیکال معطوف کرده بود، اینک اصول برتر سیاست بین الملل را درک و برای آن برنامه ارائه می دهد. نباید سخنان رادیکال وی را جدی گرفت. اتفاقا از منظری که از جهان را رصد می کند، سیاست رئیس جمهور قابل فهم است. برای کسب امتیاز از غرب باید در عرصه تبلیغی نقش تهاجمی گرفت. به علایق و حساسیت های آن حمله کرد. دست بالا را در مناسبات گرفت، اما در پشت پرده طرح منطقی و حتی فروتنانه‌ای از واقعیات عرصه سیاسی را نشان داد. فهم این ادعا نباید چندان سخت باشد. این معاون احمدی نژاد است که از دوستی با ملت اسرائیل سخن می راند. اظهاراتی که مجددا تایید و موجب بروز توفان سیاسی شد. چنانچه ورود رهبری نظام به این مجادله ممکن نمی شد، نمی شد تصویر درستی از منازعه به دست دادار سوی دیگر این احمدی نژاد است که برای چهارمین بار به آمریکا سفر می کند و از تمام راه ها برای انفتاح در روابط سیاسی سود می برد و پیشنهاد مذاکره، منافره، گفت وگو و شام به مقامات آمریکایی می دهد. و علاقه‌مند به گذاشتن دسته گل بر خرابه برج های دوقلو بود، هرچند ظاهرا یادش رفته بود که در یک اظهارنظر جنجالی صحت گشته شدگان در حادثه یازدهم سپتامبر را زیر سوال برده بود لیا باز این احمدی نژاد است که در سفر اخیر خود اعلام کرده بدون هیچ پیش شرطی حاضر به گفت وگو با کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا است. او حتی اعلام داشته تمام راه های نشان دادن حسن نیت برای انجام گفت وگو و آغاز رابطه با آمریکا را پشت سر نهاده و حال نوبت آمریکا است. این اظهارات زمانی طرح شد که دفتر مطالعات مشترک دو حزب جمهوریخواه و دموکرات تشکیل و اعلام شد، پرونده ایران را از مسیر انتخابات آمریکا به کناری نهاده تا با انتخاب رئیس جمهور از دستیابی ایران به آنچه از نظر آنان ایران هسته‌ای است، جلوگیری شود. با این تصمیم ایران برگ برنده هیچ کدام از کاندیداها نخواهد بود زیرا به یک متغیر بسیار مهم و بزرگ تبدیل شده است. از سوی دیگر معنای این تصمیم آن است که ایران به موضوعی مرتبط با منافع ملی آمریکا نه منافع رقبا و احزاب سیاسی بدل شده است. البته روشن است که رفتار آمریکایی ها پیام دیگری نیز دارد. آنها برخلاف تصور نادرست ما با برنامه و طراحی نقشه های کوتاه و بلندمدت، منحنی روابط خود با ایران را روشن می سازند. برخلاف تصور نادرست ما تنها با ابراز چند جمله یا ارسال پیام های آشتی جویانه نمی توان عرصه مناسبات بین المللی را جابه جا یا مطابق خواست خود تفسیر کرد. بدیهی است ایران و آمریکا علاقه‌مند به ایجاد پلی میان یکدیگر هستند اما برای رسیدن به آن نیازمند طی کردن قدم های فراوانی هستیم. ایران نمی خواهد اعتبار کاهش تنش میان خود و آمریکا را به پوش بدهد. آمریکا نیز به روشنی مترصد روشن شدن وضعیت سیاسی در ایران عصر احمدی نژاد است. «رابطه» به عنوان یک خواست همچنان مطرح است. اما هیچ کدام نمی خواهند در چنین شرایطی به آن دست یابند. ایران امیدوار است دموکرات ها به کاخ سفید راه یابند. شاید اوباما به قول خود مبنی بر انجام مذاکرات بدون پیش شرط وفادار بماند. آمریکا نیز امیدوار است پیام های جدیدی از سوی تهران ارسال شود. شاید انجام انتخابات ریاست جمهوری در ایران بتواند پاسخ برخی ابهامات را بدهد. با این همه، روشن است که اراده قدرتمندی در ایران شکل یافته که تابوی «عدم رابطه» را بشکند. در این مسیر احمدی نژاد حقی بزرگ دارد. او هر چند در تئوری اصولگرا است اما نشان می دهد که از سیاست درک موسع تری یافته است. این سخن بدان معنا نیست که ایران از اختیار داشته یا موجبات منطقی آن را فراهم نموده است! اما این معنا را می دهد که می توان در آینده شاهد چهره‌ای متفاوت تر از او بود. تصویری که محتمل پور تحقیر قول در ماجرای فلسطین بدان پای می فشرد! اینکه سیاست دولت احمدی نژاد در بار «فلسطین شناور» است، به نظر می رسد خواننده گان درک روشنی از «سیاست شناور» به دست خواهند آورد.

دماسنج

آقای احمدی‌نژاد! من آزاد هستم

• مسیح علی‌نژاد

محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران برای چهارمین بار در مجمع عمومی سازمان ملل حاضر شد و همانند گذشته با افتخار سخن از آزادی در ایران گفت و نسبت به رعایت حقوق شهروندی در ایران چنین بالید:

«اگرچه در آمریکا سخن گفتن علیه یونیفورم نظامی مجازات دارد اما در ایران تنها چیزی که مجازات ندارد سخن گفتن علیه مسوولان است. در ایران آزادی ها بسیار بالاتر از آن است که شما تصور می کنید و انتقاد از مسوولان به صورت مطلق آزاد است و تنها اگر کسی به حقوق دیگران تجاوز کند به آن رسیدگی خواهد شد.»

اینجا ایران است؛ جایی که رئیس جمهورش با علاقه شدید هر سال شال و کلاه می کند تا به نیویورک برود و فخر آزادی ما را به عالم بفروشد. اینجا سرزمین من است، جایی که رئیس جمهورم معتقد است انتقاد از مسوولان به صورت مطلق آزاد است. چهار سال است که این قصه زیبای آزادی مدام و مکرر تکرار می شود. ماه‌ای صدحتی های گاهی رئیس جمهور می نشیند و او در مقابل حضار و ناظران خارجی چنان بر طبل رسوایی رسانه های خارجی می کوبد و آنان را اسیر و امانده می داند و ما را سرافراز و بالنده که خود هم مانده‌ایم مبادا راستی در ایالات متحده توهین به یونیفورم نظامی جرم است و در سرزمین ما نه تنها چنین نیست بلکه ما از آزادی مطلق برای نقد برخورداریم و خودبی خبر مانده‌ایم. وقتی رئیس جمهورمان با همین افتخاری نظیرش می گوید که در ایران زندانی سیاسی نداریم و آزادی بالاتر از صدور دیگران در ایران برقرار است، همانند همیشه من و باقی روزنامه‌نگاران هیچ به روی خودمان نیاوردیم که عمادالدین باقی و باقی روزنامه‌نگاران محبوس و محروم از کار، به جز نقد دلسوزانه مسوولان هیچ نکردند که سرایشان یا چهار دیوار و یک سقف به مفهوم واقعی زندان شد و یا حبس در خانه و توقیف رسانه و توقف چاپ کتاب و آثار شان در وزارت فرهنگ ارشاد تحت نظارت همین دولت نیز نوع دیگری از زندان شد برای کسانی که در آثار و کار خویش جز نقد و نظر چیزی ننوشتند. قطعا از تجاوز به حقوق دیگری اگر در این آثار بایگانی شده در وزارت فرهنگ و ارشاد خبری بود، بی شک آنان نیز همانند خود آقای رئیس جمهور، سزا و جزای قانونی را حق خود می دانستند! اما سال ها است که نه به دانشجویان، نه به زنان و نه به نویسندگان و روشنفکران دینی و فرهنگی که هنوز در زندان حقیقی و مجازی محبوس مانده‌اند کسی توضیح نمی دهد که آیا نوشتن و دگراندیش بودن و انتشار چند مقاله و کتاب و ایراد یک سخنرانی و یا نشستن بر زمین دانشگاه و حضور در مقابل دادگاه و گاه اعتراض به برخی قوانین تبعیض آمیز، در قاموس تصمیم گیران، تجاوز به حقوق دیگری محسوب می شود؟ در حال حاضر کسانی به همین جرم پرونده مفتوح و قطور در دادگاه‌ها دارند و برخی دیگر گوشه زندان نشسته و در انتظار مرخصی به سر می برند و باقی نیز دانشجویانی هستند که از ادامه تحصیل محروم مانده‌اند و زنانی که هر روز برای پرونده‌های مکرر خویش محکوم می شوند و در نهایت با درایت رئیس قوه قضاییه برخی اخطار معلق می مانند.

ادامه در صفحه۲

سیاست مجازی

بازگشت به صفحه ۱۶

http://bayramali.blogfa.com

«سیاست مجازی» همان ستون معروف صفحه ۱۶ که «وب گردی اینترنتی» است دوباره آمد. این ستون فعلا روزهای زوج در خدمت وب گردی های اینترنتی شما است. برای روز نخست، یک نگاه آرشیوی خواهیم داشت به هفته گذشته و لازم است برای آینده کمی فکر کنیم، ببینیم چه می شود کرد تا سیاست مجازی جذاب تر باشد. نخستین ابتکار «بی نوشت» است که تقدیم می شود به نسل جدید وبلاگ ها! میکروبلاگ ها. این میکروبلاگ ها که با سایت «توییتر» جان گرفته، به روزنوشت های بسیار کوتاه و کوچکی گفته می شود که برخی اوقات خیلی زرف و زیباهم از آب درمی آید. این قسمت را می کوشیم در هر سیاست مجازی ای داشته باشیم، حالا اگر یک روزی نداشتیم هم خب نداشتیم دیگر، خیلی سخت نگیرید. بدون میکروبلاگ هم می شود زندگی کرد! اما برای نخستین وبلاگ خوشبختی که شاس ان را دارد که در نخستین روز بازتولد سیاست مجازی لینک شود، «بابر امعلی تقدیم می کند! انتخاب خوبی است. یک گزینه که با «ورزال مهر و بورس مدرسه و همشاگردی سلام و...» خیلی جور است و همه بچه هایی که در دهه شصت به مدرسه رفته‌اند را می برد به همان دوران. عکس های نوستالژیک این وبلاگ از یادگاری های مدارس آن دهه به ویژه «مهر صدآفرین» بسیار دیدنی است. در همین فضا «دل نوشته های یک روزنامه نگار» هم اعتراف می کند که «هیچ وقت مدرسه را دوست نداشته» و به شکلی اساسی «از تحصیل کردگی» خود بیزار است. «چیز» انتخاب بسین شما باشد با خروج از فضای مهر و ورود به مجادله پایدار انتخابات. این روزنامه‌نگار گیلانی پرسش هایی اساسی دارد: «هزینه کردن از خاطرات خوب گذشته تا کجا می خواهد ادامه پیدا کند؟ خاتمی بیاید که چه بشود؟» و در ادامه می گوید که چرا «کاندیدای جسور دیگر در سر دارد»، «شبنامه ها را هم با دیدگاهی مشابه در پست خواندنی «کاندیدای تحریم یا کاندیدای تحمیل؟» پی بگیرید و سپس انتخابات آینده ریاست جمهوری را فرو گذارید و در «بالجاه» به رئیس دولت کنونی برسید و این پرسش؛ «چرا سالن سازمان ملل موقع سخنرانی احمدی نژاد خالی شد؟» در هفته‌ای که یادآور جنگ هشت ساله هم هست، بی مناسبت نیست سری هم به «سیاه مشق» بزنید. او با نگاهی اعتراضی به یک جشن وبلاگی درباره وبلاگ های جنگ می نویسد: «عده‌ای در این سال ها با مصادره کردن میراث جنگ هشت ساله کوشیدند تا از این حماسه ملی بهره برداری سیاسی کرده و خود را به قدرت نزدیک کنند و حالا با این مساله روبه رو شدند که نسل جدید می گوید: شما برای خودتون جنگیدید و اصلا چرا جنگیدید؟» سر آخر هم «وسه، بست اقتصادی- سیاسی را دنبال کنید در «دست نوشته‌ای که نابود می شود، گروه بارانی ها و روزگار» که هر کدام از منظری به واکاوی اقتصادی پرداخته‌اند. پی نوشت: «گاه نوشت های یک شهروند» می گوید: «یکی از دوستان دانشگاه از استادهایش تعریف می کند. می گوید که یکی از اساتید محترم اگه الان یک جورایی همه کاره دانشکده هست، ترم پیش سر کلاس گفته: من از سیستم پی آرتی متنفرم، پس بهتره از جلسه بعد خانم‌ها عقب بنشینند و آقایان دانشجو جلوی کلاس را پر کنند. با این توضیح که در اتوبوس های پی آرتی خانم‌ها جلوی اتوبوس را پر می کنند و آقایان از در عقب سوار اتوبوس می شوند.»

وکیل الرعایا

از سلب صلاحیت قضاوت تا الزام به وکالت

• آرش صادقیان*

vakilroaya@ gmail.com

اصل خبر: قضاتی که فاقد صلاحیت قضایی تشخیص داده می شوند، پروانه وکالت می گیرند.

موضوع از چه قرار است؟ پس از رد درخواست صدور پروانه وکالت برای قضات فاقد صلاحیت قضایی در کانون وکلا، دادگاه عالی انتظامی قضات، آن کانون را به صدور پروانه وکالت ملزم می کند و حتی در صورت تایید نظر کانون مذکور در دادگاه مزبور، این دسته از قضات با اعاده دادرسی به هدف خود می رسند.

تحلیل موضوع: بر اساس مواد ۸ (بندهای الف و ب) و ۱۰ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ دارندگان پایه‌های قضایی، تحت شرایطی ایجابی و سلبی، مجاز به دریافت پروانه وکالت هستند که یکی از آن شرایط سلبی، عبارت است از عدم سلب صلاحیت قضایی، اما دادگاه عالی انتظامی قضات با استناد به اینکه سلب صلاحیت قضایی این افراد برای تصدی مشاغل غیر از قضا مشمول عفو مقام رهبری شده است، آنان را واجد شرایط برای نیل به وکالت می داند. فارغ از ریشه‌یابی گسیل اکثر قریب به اتفاق قضات جداشده از دادگستری به کانون های وکلا و راهی نشدن به سوی مرکز اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، باید گفت: (۱) از حیث منطقی و فرهنگی و اجتماعی چگونه ممکن است قاضی مسلوب صلاحیت، شایستگی دریافت پروانه وکالت را داشته باشد؟ (۲) از منظر علمی و فنی، «حقوق» دانشی است در شاخه علوم انسانی که مفاهیمی اعتباری دارد اما چگونه متصور است که یک قاضی، در یک آن، فاقد صلاحیت قضایی و دقیقا در همان لحظه زمانی دارای صلاحیت قضایی باشد؟ آیا ممکن دارد که انتزاعا و در فرضی محال، صلاحیت قضایی را که حقیقتی انفکاک‌ناپذیر است، دو پاره کرد؟ ابرای مثال، آیامی توان ادعا کرد انسان برای انعقاد برخی معاملات صلاحیت قانونی (رشد) ندارد اما برای انجام سایر امور مالی آن صلاحیت را داشته باشد؟ (۳) دادرس فاقد صلاحیت قضایی برای تصدی امر قضا، بداهتا فاقد شایستگی برای رسیدن به مشاغلی غیرقضایی است که داشتن صلاحیت قضایی (زایل نشدن این صلاحیت) در آنها موضوعیت دارد و الزامی است! از این رو، شمول عفو رهبری بر مشاغل غیرقضایی، قابلیت مصادره به مطلوب را ندارد و منحصرا آن دسته از امور اداری دولتی (نه وکالت دعاوی) را دربرمی گیرد که با صلاحیت قضایی، کوچک ترین رابطه و سنخیتی ندارند، «اموری که کارمندی ساده تا نمایندگی در قوه مقننه، وزارت در قوه مجریه و سفارت در خارج از کشور را شامل می شود.» (عفو خصوصی (برعکس عفو عمومی) در صورتی آثار تبعی را شامل می شود که در عفو تصریح شده باشد.

تکمله: خداوند در آیه ۹ سوره «زمر» می فرماید: «آنان که می دانند با کسانی که نمی دانند، آیا برابر هستند؟» حال آیا قضاتی که صلاحیت قضایی از آنها سلب شده ناشی از تخلفات سنگین است، یا دادرسان سالمی که از طرق معمول از دادگستری بیرون می آیند (یعنی بازنشستگی یا بازخریدی یا استعفا) یکسان هستند؟!

*** وکیل پایه یک دادگستری**